



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

بحرین و پسا انقلاب شش ساله

پژوهش بحری (از سال ۲۰۱۱ تا کنون)

معاونت سیاسی

صدا و سیما



فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

– گروه تلگرام پژوهش خبری صداوسیما <https://telegram.me/pajooreshkhabar>

بسمه تعالی

چکیده پژوهش

- انقلاب ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ میلادی مردم بحرین هر چند سه روز پس از سقوط حسنی مبارک در مصر و همراه با موج خیزش‌های مسلمانان علیه رژیم‌های دیکتاتوری آغاز شد.

- پس از استقلال بحرین در سال ۱۹۷۱ میلادی از ایران، چالش اصلی خاندان حاکم آل خلیفه کسب مشروعیت سیاسی و تحکیم پایه قدرت خود بود. از این رو خاندان حاکم تلاش کرد با تدوین قانون اساسی و برگزاری انتخابات پارلمانی در نیمه اول دهه ۱۹۷۰ میلادی، با انگیزه قانونی ساختن حاکمیت خود و مشارکت نسبی مردم زمینه این مشروعیت را فراهم آورد اما دیری نگذشت که با مخالفت پارلمان با تصویب "قانون امنیت دولتی" در سال ۱۹۷۵ میلادی، امیر بحرین پارلمان را منحل کرد.

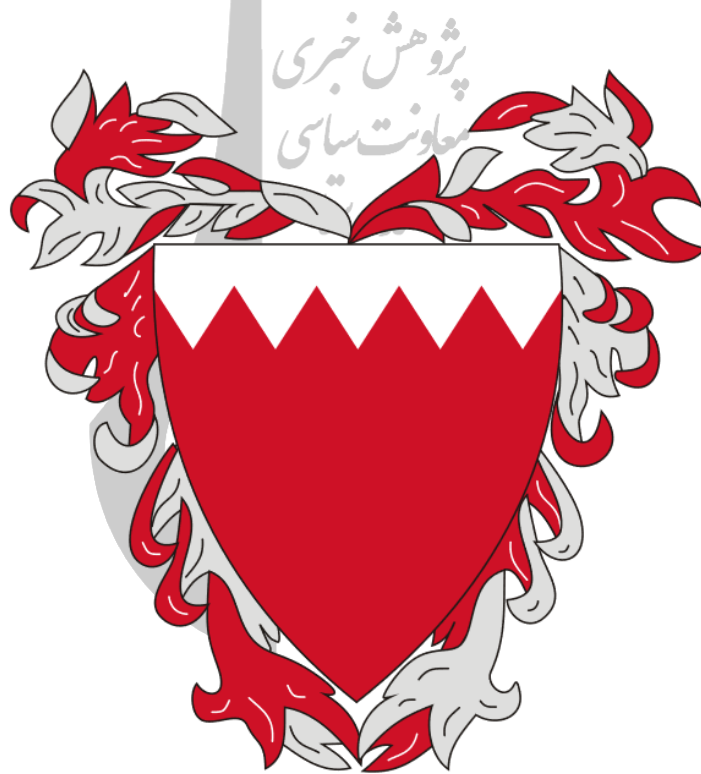
- اصلاح اساسی و تحولی بنیادین در اوضاع زندگی خلق‌الله، از خواسته‌های ملت بحرین در مقابل اقدامات حمدبن عیسی آل خلیفه مبنی بر اختصاص دادن بیش از ۴۰ درصد اراضی بحرین به ما یملک‌های خانوادگی خویش، استخدام نیروی کار از کشورهای دیگر و بیکار ماندن جوانان بحرینی و اختصاص دادن تقریباً همه منصب‌های حکومتی به خاندان آل خلیفه و... بود. اصلاح در روابط اجتماعی انسان‌ها نیز از اهداف ملت بحرین بود؛ زیرا تبعیض‌های دینی توسط حکومت در مردم ایجاد شده بود. مثلاً با اینکه ۷۰ درصد جمعیت بحرین را شیعیان تشکیل می‌دهند، تنها ۱۸ صندلی پارلمان را شیعیان در اختیار دارند و بقیه کرسی‌های مجلس از آن سنی‌ها و احزاب دیگر هست و چون خود خانواده حاکم از اهل سنت می‌باشد، شیعیان بحرین را شهروندان درجه دوم نامیده است.

- اولین دستاورد انقلاب مردم بحرین را می‌توان پیروزی اراده مردم است، پایداری مردم طی این ۵ سال به معنی شکست تمام طرف‌ها و قدرت‌هایی است که برای به زانو در آوردن مردم وارد عمل شدند اما نتوانست صدای مردم را قطع کند. دومین دستاورد انقلاب بحرین سلب مشروعیت رژیم حاکم در بحرین بود. - دستاورد سوم انقلاب بحرین، متحد کردن ملت در مطالبه تغییرات سیاسی است.

انقلاب بحرین؛ ریشه‌ها و پیامدها

تاریخ بحرین در چند دهه گذشته همواره مواجه با اعتراضات مداوم مردم علیه رفتار تبعیض آمیز و تمامیت خواه رژیم سلطنتی آل خلیفه بوده است؛ به نحوی که این کشور کمتر روی آرامش و ثبات سیاسی به خود دیده است.

انقلاب ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ میلادی مردم بحرین هر چند سه روز پس از سقوط حسنی مبارک در مصر و همراه با موج خیزش‌های مسلمانان علیه رژیم‌های دیکتاتوری آغاز شد اما با نگاهی دقیق‌تر ریشه‌های این انقلاب مردمی را حداقل باید از دهه ۱۹۷۰ میلادی و نوع رفتار خاندان حاکم بر این کشور با مردم مورد مطالعه قرار داد.



بحران مشروعیت

پس از استقلال بحرین در سال ۱۹۷۱ میلادی از ایران، چالش اصلی خاندان حاکم آل خلیفه کسب مشروعیت سیاسی و تحکیم پایه قدرت خود بود. از این رو خاندان حاکم تلاش کرد با تدوین قانون اساسی و برگزاری انتخابات پارلمانی در نیمه اول دهه ۱۹۷۰ میلادی، با انگیزه قانونی ساختن حاکمیت خود و مشارکت نسبی مردم زمینه این مشروعیت را فراهم آورد اما دیری نگذشت که با مخالفت پارلمان با تصویب "قانون امنیت دولتی" در سال ۱۹۷۵ میلادی، امیر بحرین پارلمان را منحل کرد. بر اساس این قانون هرگونه اقدام یا موضع‌گیری علیه

دولت، مخالفت با امنیت کشور تلقی می شد و حکومت اجازه داشت افراد مظنون را به سرعت بازداشت و بدون محاکمه زندانی کند. این ماجرا آغاز کشمکش های مردم و حاکمیت بود و برخوردهای طولانی دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی را به دنبال داشت.

با مرگ شیخ عیسی بن سلمان و به قدرت رسیدن فرزند وی "حمد بن عیسی" پادشاه کنونی بحرین، تلاش های جدیدی برای پایان دادن به کشمکش ها و ایجاد ثبات سیاسی از سوی آل خلیفه از سر گرفته شد. حمد بن عیسی در فوریه ۲۰۰۱ تصمیم به برگزاری همه پرسی در خصوص منشور ملی اصلاحات گرفت.

منشور اصلاحات حمد بن عیسی با رای ۹۸٫۴ درصدی در سال ۲۰۰۱ میلادی به تأیید مردم بحرین رسید. در این منشور، تأسیس پارلمان منتخب، تفکیک قوا، استقلال قوه قضائیه، حمایت از حقوق سیاسی زنان و آزادی های مدنی وعده داده شده بود. شیعیان امیدوار شدند که در پرتو این اصلاحات به جایگاه در خوری در ترکیب سیاسی این کشور دست یابند و منشور ملی آغازی بر پایان دوره محرومیت سیاسی آنها باشد.

زمان زیادی برای اثبات دروغ های خاندان حاکم در انجام اصلاحات سیاسی در کشور نیاز نبود و بعد از همه پرسی سرکوبگری ها علیه مردم بیشتر شد. اقلیت های شیعه سرکوب شده حاکمیت را به تزویر و سوء استفاده از اعتماد مردم به وعده های پیش بینی شده در منشور متهم کردند و در مقابل، حاکمیت استدلال می کرد که مردم با رأی بالای خود به منشور، اختیار اصلاحات و تأسیس نظام مشروطه سلطنتی را به پادشاه تفویض کرده اند. سرخوردگی اپوزیسیون موجب شد تا آنها نخستین انتخابات پارلمانی را در سال ۲۰۰۲ میلادی تحریم کنند.

با این وجود مخالفان دولت در دوره های آینده، تحریم انتخابات را راه درستی برای نشان دادن اعتراض خود ندانستند، جمعیت الوفاق به عنوان مهم ترین گروه شیعی در انتخابات سال های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ شرکت کرد و توانست به ترتیب ۱۷ و ۱۸ کرسی از مجموع ۴۰ کرسی پارلمان را به دست آورد. البته سایر گروه های معارض با غیر واقعی و نمایشی خواندن اصلاحات حمد و همچنین تبعیض در توزیع کرسی های پارلمان در مناطق شیعه و سنی در انتخابات شرکت نکردند و عملاً اختلاف مشی الوفاق و سایر گروه های معارض آشکار شد.

اعتراض اصلی گروه های تحریم کننده انتخابات، به قدرت کمک مجلس نیابتی در برابر مجلس شورا و مهندسی توزیع کرسی های مجلس نیابتی است به نحوی که هیچ گاه شیعیان بیش از ۱۸ کرسی نمی توانند کسب کنند.

البته این اعتراضات فقط به عدم امکان مشارکت اثربخش در انتخابات پارلمانی محدود نمی شود؛ بلکه این گروه های معارض با محرومیت های اداری، اقتصادی و اجتماعی و سیاست های تبعیض آمیز آل خلیفه علیه شیعیان نیز مواجهند. به نحوی که شیعیان هیچ گاه پست های کلیدی مانند وزارت دفاع، دادگستری، خارجه و

کشور را نمی‌تواند کسب کنند و همچنین سهم شیعیان از پست‌های عالی و میانی نیز به نسبت جمعیت ایشان اندک است. همچنین نباید فراموش کرد که یکی از اعتراضات دائمی این گروه‌ها به سیاست اعطای تابعیت بحرینی به غیر بحرینی‌های مهاجر همگرا با حاکمیت و تغییر ترکیب جمعیتی این کشور به نفع خاندان آل خلیفه است.

انقلاب ۱۴ فوریه ۲۰۱۱

پس از خشونت‌های میدان اللؤلؤ و سرکوب معترضان توسط رژیم آل خلیفه، تظاهرات و اعتراضات مردمی گسترده‌تر شد و بخش عمده‌ای از مردم به جمع انقلابیون پیوستند. همچنین در این شرایط نمایندگان جمعیت الوفاق نیز از پارلمان استعفا کردند. در این مرحله گروه‌های مختلف درخواست رژیم برای گفت و گو را با پیش شرط‌هایی رد کردند.

از جمله این پیش شرط‌ها استعفای دولت و نخست‌وزیر، شیخ خلیفه، عموی پادشاه - که از سال ۱۹۷۱ نخست‌وزیر این کشور بوده و به فردی مستبد و ضد شیعه معروف است - پایان حضور ارتش در خیابان‌ها و پذیرش ایده سلطنت مشروطه بود که از سوی الوفاق مطرح شد.

در این برهه گروه‌های معارض بحرینی با توجه به خواسته‌های خود به دو دسته تقسیم شدند:

- دسته اول به رهبری الوفاق با تاکید بر رویکرد واقع بینانه و عدم امکان انقلاب و سرنگونی رژیم در بحرین به دلیل شرایط خاص جغرافیایی، جمعیتی این کشور و حمایت‌های آمریکا، انگلیس و عربستان سعودی از رژیم آل خلیفه، خواستار اصلاح نظام و ایجاد حکومت سلطنت مشروطه و دولت منتخب بودند.
- دسته دوم با شعار همپیمانی برای جمهوری متشکل از سه گروه جریان الوفاء الاسلامی، جنبش حق و جنبش آزادگان اسلامی بحرین رویکرد واقع بینانه را در عبرت از تجربه اصلاحات در دهه گذشته و وعده‌های نمایشی آل خلیفه دانسته و گزینه براندازی نظام و ایجاد نظام جمهوری دموکراتیک را مطرح ساختند.

تفاوت اعتراضات در سوریه و بحرین

		بحرین	سوریه
		پادشاه حمد آل خلیفه	رئیس جمهور بشار اسد
			
مردم	حمایت مردمی	1,2 مخالفت اکثریت مردم کشور	3,4 حمایت اکثریت مردم کشور
	تظاهرات اعتراض آمیز (بزرگترین، معمولاً)	3,4 44% - 18% از تمام جمعیت کشور	7,8 2/5% - 0/05% از تمام جمعیت کشور
نیروهای نظامی	استفاده از نیروی نظامی	بله	بله
	مداخله نظامی خارجی	بله عربستان، کویت، قطر، امارات	خیر
	میزبانی از پایگاه‌های نظامی خارجی	بله پایگاه نیروی دریایی روسیه	بله
قومیت‌ها	استفاده از مزدوران	بله پاکستان، هند، بنگلادش	خیر
	سوء استفاده فرقه‌ای	15,16 استفاده از تفرقه بین فرقه‌ها	17-19 خیر
سیاست‌ها	طرح اصلاحات	بدون مشارکت مردم	رفراندوم قانون اساسی
	تحریم‌های بین‌المللی	خیر <small>آمریکا، اتحادیه اروپا، اتحادیه عرب از وی حمایت کردند</small>	20,21 بله <small>تحریم توسط آمریکا، اتحادیه اروپا، اتحادیه عرب</small>
	پوشش رسانه‌ای	در حاشیه	منکوب کننده
مخالفان	مسلح بودن مخالفان	خیر مخالفان مسلح نیستند استفاده از سنگ و کوکتل مولوتوف	22 بله آر.پی.جی، اسنایپر، نارنجک که از کشورهای همسایه قاچاق می‌شود
	حضور مبارزان خارجی	خیر معترضان مردم محلی هستند	23-25 بله از آفریقای شمالی، نظامیان اتحادیه اروپا، کشورهای عرب شبهه نظامیان آمریکایی موسوم به آ.اف.پک

SOURCES 1 BBC 2 Amnesty International 3 The Guardian 4 Doha Debates 5 The New York Times 6 Al Jazeera 7 The Telegraph 8 L.A. Times 9 Haaretz 10 Al Arabiya 11 Bahrain Interior Ministry 12 Time 13 Al Jazeera 14, 15 (See 3) 16 Reuters 17 Stratfor 18 Wesal TV 19 Sham News Network 20 Jerusalem Post 21 Voice of America 22 (See 16) 23 (See 13) 24 Agence France Presse 25 (See 7) NUREINWORT.BLOGSPOT.COM

		بحرین	سوریه
سازمانها	سازمانها	سازمانها	سازمانها
	سازمانها	سازمانها	سازمانها
نهادهای	نهادهای	نهادهای	نهادهای
	نهادهای	نهادهای	نهادهای

رهبران انقلاب بحرین



❖ شیخ عیسی قاسم

آیت الله حاج شیخ عیسی احمد قاسم الدرازی البحرانی از برجسته‌ترین علما و رهبران سیاسی بحرین است که در روستای "دراز"، از روستاهای اطراف منامه در پایتخت بحرین دیده به جهان گشود و تحصیلات مقدماتی خود را در مدارس این روستا به پایان رساند. وی تحصیلات علوم دینی خود را در بحرین در دهه ۱۹۶۰ میلادی با حضور در محضر شیخ "علوی الغریفی" آغاز کرد و سپس راهی نجف اشرف شد تا به تحصیل علوم دینی و از جمله فقه در آن پردازد. وی از جمله دانش‌آموختگان آیت الله شهید "سید محمدباقر صدر" است.

شیخ عیسی قاسم پس از دفاع مقدس، راهی ایران شد و از محضر اساتیدی مانند آیت الله فاضل لنکرانی و سید محمود شاهرودی استفاده کرد. سفر شیخ به ایران در شناسایی او به عنوان عالمی متدین و شجاع تاثیر بسیار داشت و رهبر معظم انقلاب با همین شناخت شیخ را به عنوان نماینده بحرین در مجمع جهانی اهل بیت برگزیدند.

شیخ عیسی قاسم تا سال اواخر سال ۱۳۷۹ در ایران حضور داشت و سپس برای نقش آفرینی در تحولات بحرین به زادگاه خود بازگشت. با آغاز فعالیت برای تأسیس پارلمان بحرین که قصد داشت پس از شکل‌گیری کشور، کار تدوین قانونی اساسی بحرین را به انجام برساند، مردم بحرین از شیخ قاسم خواستند با بازگشت به این کشور خود را برای حضور در این پارلمان کاندیدا نماید و در عمل شیخ عیسی موفق شد با بالاترین رأی به پارلمان بحرین راه یابد و در کنار جریان اسلامگرای پارلمان، نقش مهمی در تدوین مواد و بندهای اسلامی در قانون اساسی بحرین ایفا کند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، آیت الله شیخ عیسی قاسم را "ستاره‌ای در آسمان تشیع" توصیف نموده و فرمودند: اینجانب به وجود شیخ افتخار می‌کنم.

با آغاز قیام مردمی بحرین در ۱۴ فوریه گذشته، شیخ عیسی قاسم که رهبر معنوی جنبش الوفاق بحرین به ریاست شیخ "علی سلمان" و از جمله جنبش‌های معارض بحرینی است، رهبری و هدایت مردم این کشور را جهت تبیین اعتراضات مسالمت‌آمیزشان نسبت به ظلم و ستم آل خلیفه و مطالبه حقوق برحقشان از این خاندان جائز بر عهده گرفت و هرگاه آل خلیفه با ترفند و توطئه‌ای خواسته تا با فریب مردم و به بهانه انجام مذاکرات و گفت‌وگو با معارضان آتش قیام آنها را فرو بنشانند، شیخ عیسی قاسم در کنار دیگر علمای این کشور با روشنگری‌های خویش، این ترفند آل خلیفه را نقش بر آب ساخته است.

❖ شیخ علی سلمان

"علی سلمان احمد" در سال ۱۹۶۵ میلادی، در روستای "البلاد القديم" دیده به جهان گشود. کسانی که با "البلاد القديم" آشنايند، می‌دانند این روستا به چهار بخش شمال و جنوب؛ و شرق و غرب با باغ‌ها و بوستان‌ها تقسیم می‌شود و بوستان "عین قصاری" بخش شرقی را از بخش جنوبی آن جدا می‌کند. بخش شرقی در واقع بخش بزرگ‌تر را تشکیل می‌دهد. شیخ علی سلمان در خانه‌ای زندگی می‌کند که گاه جزء منطقه شرقی و زمانی جزء منطقه شمالی به شمار می‌آمده است.

هر بخش دارای دو تیم فوتبال بود که مدام با یکدیگر مسابقه می‌دادند، گاهی این پیروز می‌شد و گاهی آن. هدایت تیم فوتبال روستا، درس‌های بسیاری به او داد. به گفته شیخ، این رهبری و راهبری، کار بسیار خطیر و سختی بود. رهبری تیم فوتبال روستا به او آموخت که تحت هیچ شرایطی دوراندیشی و عقل و حکمت را فراموش نکند. همچنین به او آموخت که چگونه با هر کس با توجه به خصوصیات اخلاقی و شخصیتی و روان شناختی‌اش برخورد کند و مهم‌تر از آن، چگونه انتقادها و سرزنش‌ها و تویخ‌ها را بشنود و آرامش و متانت خود را از دست ندهد. شاید بتوان گفت، هدایت و رهبری تیم فوتبال روستا، بهانه‌ای شد تا شیخ جوان، هر آنچه را که برای به دست گرفتن رهبری بزرگ‌ترین جمعیت سیاسی بحرین در آینده نیاز است، فراگیرد.

در سال ۱۹۸۲ میلادی، شیخ علی سلمان، در رشته ریاضیات، وارد دانشکده ریاض، پایتخت عربستان سعودی می‌شود. وی در سال ۱۹۹۲ میلادی به میهن بازمی‌گردد. ابتدا قصد نداشت، اقامتش در بحرین به درازا بکشد؛ می‌خواست برای ادامه تحصیل دوباره به قم بازگردد اما خواست خدا و روند امور، سرنوشت دیگری را برای وی رقم زده بود.

در آن سال "شیخ عیسی قاسم" تصمیم می‌گیرد، به قم سفر کند و همین موجب می‌گردد تا شیخ علی سلمان برای ادای نماز و خطابه در مسجد "الخواجه" و همچنین جامع "الدراز" به جانشینی شیخ قاسم انتخاب شود.

❖ عبدالوهاب حسین

عبدالوهاب حسین انقلابی ۵۸ ساله، دارنده مدرک کارشناسی رشته فلسفه و جامعه‌شناسی از دانشگاه کویت است که به جرم قانون‌شکنی، شرکت در توطئه تغییر نظام و برقراری تماس با گروه‌های خارجی از سوی رژیم آل خلیفه به حبس ابد محکوم شده است. وی که در بین انقلابیون بحرینی عموماً با لفظ استاد و "مُفَجِّر الثَّوْرَة (آغازگر انقلاب)" خطاب می‌شود، رهبر و مؤسس گروه انقلابی جریان الوفاء الاسلامی است. این گروه را شاید بتوان از حیث نظری و عملی نزدیکترین گروه به مبانی اندیشگی انقلاب اسلامی ایران دانست. وی در روزهای

اول انقلاب در میدان لؤلؤ حاضر شد و پس از انجام خطابه‌های تند برضد رژیم و خصوصاً سخنرانی روز ۱۲ مارس، در هفدهم همان ماه دستگیر شد.

شکنجه‌گران مردم در طول انقلاب بحرین

❖ ناصر بن حمد آل خلیفه

وی در هشتم ماه مه سال ۱۹۸۷ متولد شده است. با وجود سن کم، پست فرمانده گارد پادشاهی بحرین را برعهده دارد. وی ریاست شورای عالی جوانان و ورزش و کمیته المپیک بحرین را نیز در اختیار دارد. وی چهارمین فرزند ذکور حمد بن عیسی بن سلمان آل خلیفه از همسرش شعاعه بنت حسن الخریشی العجمی است.

❖ خالد بن حمد آل خلیفه

وی متولد سال ۱۹۸۹ و پنجمین فرزند شاه بحرین است و با درجه ستوان دومی در نیروی دفاع بحرین فعالیت می‌کند. همسر وی سحاب، دختر ملک عبدالله بن عبدالعزیز آل سعود شاه پیشین سعودی است.

❖ نوره بنت ابراهیم آل خلیفه

وی در اداره مبارزه با مواد مخدر فعالیت می‌کند و در شکنجه علیه مردم، یورش به منازل، تعدی به زنان و کودکان دخالت زیادی دارد.

❖ خلیفه بن احمد آل خلیفه

وی مدیر کل اداره پلیس استان جنوبی بحرین است. گفته می‌شود که این سرهنگ وابسته به آل خلیفه در یورش به منازل، ایجاد رعب و وحشت در میان ساکنان منازل، تعدی به زنان و کودکان، ترور مخالفان، اعمال محدودیتها علیه زندانیان سیاسی و اقدامات بی شمار دیگر علیه مخالفان دخالت دارد. وی در سپتامبر ۲۰۱۱ به علت شکایتهای مربوط به حقوق بشر از کار برکنار شده بود.

در مجموع باید گفت که فرزندان پادشاه بحرین با وجود سن کم، پستهای عالی در اختیار دارند و حقوقی که دریافت می‌کنند حق افسران شایسته است. حضور فرزندان حمد در مناصب حساس نشانه این است که افراد بر اساس لیاقتهای خود به پست و مقام در بحرین نمی‌رسند. ناصر بن حمد از سال ۲۰۰۰ که گارد شاهی تشکیل شده است ریاست آن را برعهده گرفته است. پایگاههای اینترنتی از مشارکت ناصر بن حمد در سرکوب تظاهرات جزیره ستره بحرین پرده برداشتند.

اهداف انقلاب مردمی بحرین

اصلاح اساسی و تحولی بنیادین در اوضاع زندگی خلق الله، از خواسته‌های ملت بحرین در مقابل اقدامات حمد بن عیسی آل خلیفه مبنی بر اختصاص دادن بیش از ۴۰ درصد اراضی بحرین به ما یملک‌های خانوادگی خویش، استخدام نیروی کار از کشورهای دیگر و بیکار ماندن جوانان بحرینی و اختصاص دادن تقریباً همه منصب‌های حکومتی به خاندان آل خلیفه و... بود. اصلاح در روابط اجتماعی انسان‌ها نیز از اهداف ملت بحرین بود؛ زیرا تبعیض‌های دینی توسط حکومت در مردم ایجاد شده بود. مثلاً با اینکه ۷۰ درصد جمعیت بحرین را شیعیان تشکیل می‌دهند، تنها ۱۸ صندلی پارلمان را شیعیان در اختیار دارند و بقیه کرسی‌های مجلس از آن سنی‌ها و احزاب دیگر هست و چون خود خانواده حاکم از اهل سنت می‌باشد، شیعیان بحرین را شهروندان درجه دوم نامیده است.

در مجموع می‌توان گفت که اهداف ملت بحرین به صورت کلی عبارتند از:

- ✓ اجرای اصلاحات سیاسی واقعی
- ✓ برپایی انتخابات عادلانه پس از اصلاح قانون اساسی
- ✓ توزیع عادلانه کرسی‌های پارلمانی بر اساس تراکم جمعیت
- ✓ اصلاح ساختار قضایی
- ✓ رعایت حقوق بشر و ارزش‌های انسانی
- ✓ مبارزه با طائفه‌گرایی و تبعیض به هر شکل ممکن
- ✓ تلاش برای برپایی دولتی قانونمند و سازمان‌های مردمی
- ✓ مقابله با فساد، دیکتاتوری، تروریسم
- ✓ رسیدن به آزادی و کرامت انسانی
- ✓ تلاش برای جلوگیری از جدایی دین از حکومت
- ✓ تدوین قانون اساسی
- ✓ داشتن حق سیاسی

در طول انقلاب نیز فشارهای حاکم باعث شد تا ملت شروط جدیدی برای خالی کردن خیابان‌ها بگذارند:

- ✓ آزادی زندانیان سیاسی
- ✓ پایان حضور ارتش در خیابان‌ها و پذیرش ایده سلطنت مشروطه

✓ استعفای دولت و نخست وزیر، شیخ خلیفه، پادشاه که از سال ۱۳۵۰ نخست وزیر این کشور بوده و به اتخاذ سیاست‌های استبدادی و ضدشیعی معروف است

هدف این ملت از شرکت در تظاهرات این است که بتوانند در همه زمینه‌های «سیاسی، اعتقادی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی» حضور فعال و مثمر ثمر داشته باشند. ملت بحرین خواستار این هستند که بتوانند خودشان مسیر سرنوشت خویش را انتخاب کنند، نه اینکه در جریانی قرار گیرند که از قبل برای آن‌ها انتخاب شده باشد.

دستاوردهای انقلاب مردمی بحرین

در سال‌های ابتدایی انقلاب مردم بسیار پرتحرک و شعله‌ور بود، رژیم بحرین با استفاده از اموال مردم اقدام به وارد کردن مزدور از کشورهای مختلفی همچون پاکستان کرد تا این ملت را سرکوب کند، آل خلیفه همچنین تلاش کرد تا با وارد کردن ارتش عربستان صدای ملت خود را قطع کند.

رژیم آل خلیفه از هیچ جنایتی فروگذار نبود، چندین مسجد را ویران کرد و هزاران کارمند و دانشجو را اخراج کرد، آن‌ها در زندان‌ها نیز اقدام به شکنجه زندانیان کردند اما تاکنون قادر به مهار انقلاب مردمی بحرین نشده‌اند. به این ترتیب اولین دستاورد انقلاب مردم بحرین را می‌توان پیروزی اراده مردم است، پایداری مردم طی این ۵ سال به معنی شکست تمام طرف‌ها و قدرت‌هایی است که برای به زانو در آوردن مردم وارد عمل شدند اما نتوانست صدای مردم را قطع کند.

دومین دستاورد انقلاب بحرین سلب مشروعیت رژیم حاکم در بحرین بود. معترضان توانستند چهره واقعی رژیم آل خلیفه را پس از آن که در پس یک چهره ساختگی مخفی شده بود به جهانیان نشان دهند. ملت بحرین در طول سال‌های گذشته موفق شد قضیه خود را به محافل جهانی همچون شورای حقوق بشر و پارلمان‌های اروپایی بکشاند، مسئله بحرین هم اکنون در محافل جهانی مطرح است. مردم موفق شدند که جلوی واردات سلاح‌های گُشنده که قرار بود از سوئد، دانمارک، فرانسه و آمریکا به بحرین ارسال شود را بگیرند.

دستاورد سوم انقلاب بحرین، متحد کردن ملت در مطالبه تغییرات سیاسی است. این انقلاب باعث شد تا همگان متوجه اوضاع نابسامان سیاسی شده و درک کنند که بحرین نیازمند یک تغییر است، امروز هیچ شخصی در بحرین وجود ندارد که متوجه اوضاع نابسامان کشور نبوده و خواهان اصلاح و تغییر نباشد.

چهارمین دستاورد انقلاب، افشای چهره واقعی رژیم آل خلیفه در عرصه جهانی است، این انقلاب به همگان نشان داد که رژیم آل خلیفه در میان ملت منفور است و هیچ جایگاهی مردمی ندارد.

ارجاع پرونده بحرین به تمام سازمان‌های جهانی دستاورد دیگر صبر و اراده مردم در طول پنج سال گذشته است. هم اکنون جامعه جهانی اطلاع دارد که هیچ اجماع ملی در خصوص روند کنونی سیاست در کشور وجود ندارد و ملت آن را نپذیرفته‌اند، همگان می‌دانند که هم اکنون یک رژیم دیکتاتوری و استبدادی در بحرین حاکم است که حقوق بشر را در ساده‌ترین امور نقض می‌کند.

کنفرانس‌های حقوق بشری که در ژنو برگزار می‌شوند، به روشنی از جنایت‌هایی که می‌توانند جنایت جنگی نیز تلقی شوند و از سوی رژیم آل خلیفه صورت می‌گیرند سخن گفته می‌شود.

شناخته شدن دوستان و دشمنان ملت بحرین را می‌توان به عنوان ششمین دستاورد انقلاب این کشور دانست. ملت بحرین در این مدت دوستان خود را شناخته و مشاهده کرده که برخی طرف‌ها که پیش از این مدعی دوستی و همراهی با ملت بحرین بودند، امروز چگونه آماده شلیک گلوله به سینه فرزندانشان است.

چهره‌های شاخص انقلاب بحرین در کف خیابان



علی جواد
الشیخ



آیات
القرمزی



کریم
الفخراوی



عبدالهادی
الخواجه



نبیل الرجب

عوامل ناکامی و بازدارنده انقلاب بحرین

تاکنون در بحرین، عوامل متعددی مانع از به ثمر نشستن حرکت‌های مردمی شده است که هر کدام به نحوی با وضعیت ژئوپولیتیکی کشور بحرین در ارتباط است که می‌توان به برخی از این عوامل اشاره کرد:

- ✓ سرکوب شدید مردم توسط نیروهای نظامی آل خلیفه
 - ✓ ورود نیروهای نظامی عربستان به بحرین و سرکوب معترضان
 - ✓ حمایت نکردن قاطع کشورهای غربی و قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی از حرکت‌های مردمی بحرین
 - ✓ عدم اقدامات و تصمیمات قاطع از سوی سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی به ویژه سازمان ملل متحد در حمایت از مردم بحرین
 - ✓ تفاوت‌های خاص جنبش بیداری مردم بحرین با سایر جنبش‌های مردمی عرب که آن را به موردی خاص تبدیل کرده است
- در مورد حرکت‌های مردمی بحرین نیز باید به شرایط و ویژگی‌های خاص آن توجه کرد؛ چرا که موجب تفاوت آن با سایر حرکت‌های مردمی منطقه شده است و در نتیجه مسیری متفاوت برای رسیدن به هدف طی کرده است.

از جمله عمده‌ترین ویژگی‌های خاص جنبش مردمی بحرین عبارت‌اند از:

- ✓ یکدست نبودن معترضان بحرینی؛ با توجه به جامعه بحرین که متشکل از مردمی با قومیت‌ها و مذاهب مختلف است، این جنبش‌ها و حرکات نیز با توجه به ویژگی مردمی بودن آن، شامل همه این مردم می‌شود که در این صورت ایجاد شکاف و اختلاف در آن با سهولت بیشتری نسبت به جوامع یکدست تونس و مصر صورت می‌گیرد؛ هم‌چنان که حکومت آل خلیفه نیز از این مجزا نهایت استفاده را می‌برد. پس چیزی جز وفاق و وحدت مردم بحرین و ثبات آنها در رسیدن به هدف، در این مورد خاص کارساز نیست.
- ✓ مشخص بودن احزاب و گروه‌های بحرینی مخالف حکومت است. انقلاب تونس، مصر و لیبی بدون رهبری خاص صورت گرفت تا آنجا که انقلاب تونس را «انقلاب بدون سر» نامیده‌اند؛ هر چند گروه‌ها و احزاب شخصی در این حرکت‌ها دخیل بودند ولی به هیچ وجه نمی‌خواستند عامل محرک مردم شناخته شوند تا از این جهت اولاً بر حساسیت دیگران نسبت به خود بکاهند و ثانیاً در صورت شناخته شدن آنها به عنوان رهبر جنبش، با کوچک‌ترین بازداشت و یا تبعید و زندانی شدن، احتمال خلل در روند جنبش مردمی زیاد می‌شد؛ و ثالثاً از بروز اختلاف، شقاق یا چنددستگی در حرکت‌های مردمی

جلوگیری شود. ولی در بحرین از همان آغاز مشخص بود چه احزاب و گروه‌هایی در ورای مردم قرار دارند تا آنجا که در طرح موسوم به «گفت‌وگوهای ملی» که برای تنش‌زدایی بین حکومت آل خلیفه و مخالفان برگزار شد، جمعیت الوفاق بحرین و حزب وحدت به عنوان مخالفان دولت، به رایزنی با حکومت پرداختند که در نهایت نیز این گفت‌وگوها به نتیجه‌ای نرسید و از سوی همین مخالفان تحریم شد.

لذا به نظر می‌رسد تا زمانی که کشورهای عربی در قالب سازمان‌هایی چون اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس از حکومت آل خلیفه حمایت می‌کنند و کشورهای غربی به لحاظ منافی که از بابت حفظ وضع موجود در بحرین کسب می‌کنند بی‌تفاوتند و انقلابیان به صورت واحد عمل نمی‌کنند، چندان امیدی به سقوط حکومت آل خلیفه نیست.

مراحل اتخاذ سیاست «لغو تابعیت» از سوی آل خلیفه



تأثیر انقلاب بحرین بر ژئوپلیتیک شیعه

آنچه امروزه از عنوان کشور بحرین به ذهن متبادر می‌شود، همانا جزیره نسبتاً وسیعی است که در زاویه جنوب غربی قاره آسیا در منطقه خاورمیانه در ناحیه خلیج فارس قرار گرفته است. مجمع‌الجزایر بحرین متشکل از ۳۵ جزیره بزرگ و کوچک با وسعتی معادل ۶۹۵ کیلومتر مربع است. بزرگ‌ترین جزیره این کشور - که پایتخت آن نیز می‌باشد - منامه نام دارد. این کشور با هیچ کشور دیگری مرز خاکی ندارد. از جنوب و غرب با عربستان سعودی، از شرق و جنوب شرقی با قطر و از شمال با ایران همسایه است.

در تحلیل وضعیت ژئوپلیتیکی بحرین باید گفت که موقعیت جغرافیایی و قرار گرفتن این کشور در قلب منطقه خلیج فارس، به آن جایگاه استراتژیک ویژه‌ای بخشیده است. اگرچه بحرین از نظر جمعیت و وسعت، کوچک‌ترین کشور حاشیه خلیج فارس است، ولی نزدیکی آن با سواحل ایران و اکتشافات چاه‌های نفت، و وجود چشمه‌های آب شیرین، از دیرباز بر اهمیت موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی آن افزوده است.

امروزه بحرین یکی از مراکز مهم تشیع در دنیا به‌شمار می‌آید و پس از ایران و عراق، می‌توان آن را به لحاظ سابقه تاریخی سومین مرکز تشیع معرفی کرد. ارتباط و علاقه ساکنان این جزیره به مذهب تشیع، به اندازه‌ای محکم است که نزد اهالی شبه‌جزیره و ساحل‌نشینان خلیج فارس، کلمه «بحرانی» مترادف با کلمه شیعی به کار می‌رود و اقلیت اهل سنت در این جزیره «اهل البحرین» خوانده می‌شوند، نه بحرانی. جمعیت اهل تسنن این سرزمین، بیشتر مالکی و بعضاً حنبلی‌اند و اکثراً در شهرهای بزرگ بحرین زندگی می‌کنند. بخش قابل ملاحظه‌ای از اهل تسنن بحرین را عرب‌ها یا اعرابی که زمانی در سواحل جنوبی ایران می‌زیسته‌اند، تشکیل می‌دهند. در گذشته، بحرین همچون احسا، از مراکز سنتی شیعه به‌شمار می‌آمد؛ اما با تغییراتی که به دلایل متعدد تاریخی و جغرافیایی پیش آمد، این مرکزیت از دست رفته است. با وجود اکثریت عددی شیعیان در این کشور، حکومت در دست خاندان سنی آل‌خلیفه می‌باشد. سیستم اداره و نوع حکومت بحرین، استبدادی مطلقه و فردی است و حکومت بحرین از قرن هجدهم به این سو، در اختیار خاندان آل‌خلیفه بوده است و از آن زمان تا کنون، اعقاب این خاندان این سرزمین را به طور موروثی در قبضه خود دارند. اخیراً نیز عنوان امیرنشینی را به پادشاهی تغییر داده‌اند و حاکم بحرین نیز خود را پادشاه خوانده است.

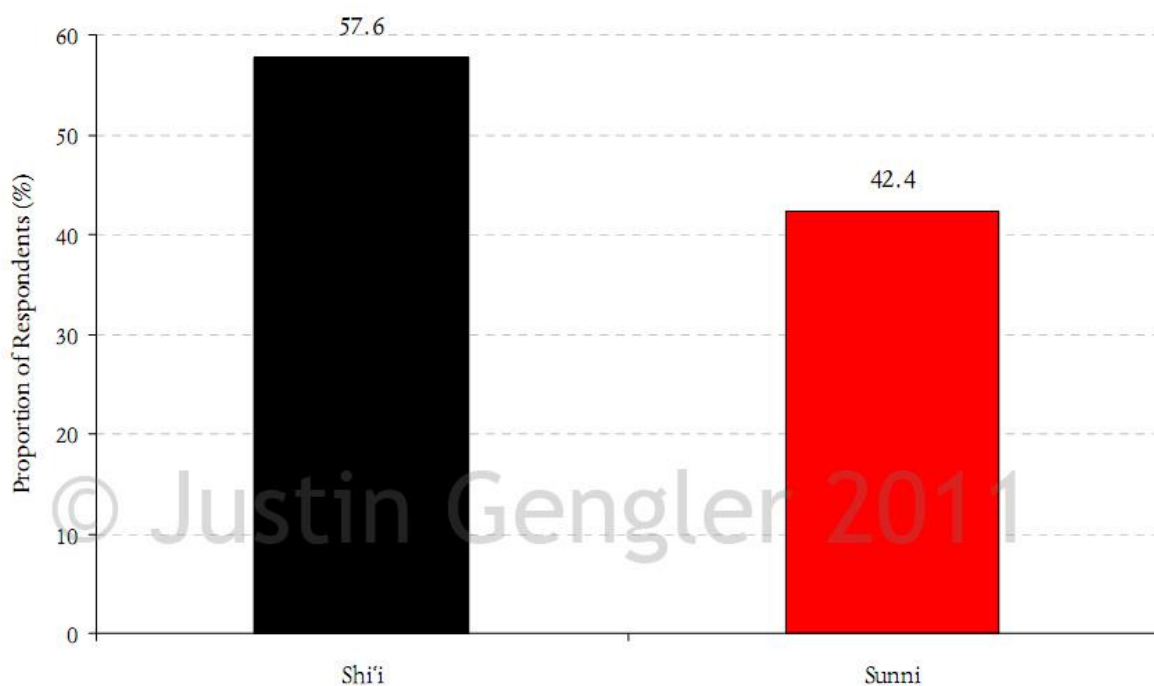
شیعیان در بحرین هفتاد درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند و بیشتر از طبقه کارگرند. سنی‌ها غالباً جمعیت شهری را تشکیل می‌دهند و قدرت حکومتی را در دست دارند. این در حالی است که شیعیان به لحاظ اقتصادی، فقیر، و از نظر سیاسی، به حاشیه رانده شده‌اند. از ۵۷۲ مقام دولتی، تنها ۱۰۱ مقام به شیعیان تعلق دارد (۱۸ درصد)؛ از ۴۷ وزیر حکومتی، تنها ۱۰ وزیر شیعه‌اند (۲۱ درصد)؛ از ۶۸ معاون وزیر، تنها ۷ نفر شیعه‌اند (۱۱ درصد)؛ از ۴۷

دستیار وزیران، ۱۰ نفر شیعه‌اند (۲۱ درصد). در این میان، ترکیب دیوان پادشاهی، گارد ملی، سرویس امنیت ملی و سرویس اطلاعات CIO نیز تنها بر اساس اصل «فقط سنی» تشکیل یافته است. شیعیان تنها سه درصد وزارت کشور و ارتش بحرین را تشکیل می‌دهند (پانکراتن کو، ۱۳۹۰، ص ۱) در نظام حکومتی فعلی بحرین، شیعیان هرگز نمی‌توانند عهده‌دار مناصب عالی حکومتی شوند.

تناسب جمعیتی شیعه - سنی بحرین در سال ۲۰۱۱

© Justin Gengler 2011

Bahrain's Estimated Sunni-Shi'i Balance



bahrainipolitics.blogspot.com

بحرین، چه قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی ایران، کانون رستاخیز شیعی در کشورهای خلیج فارس بوده است. این امر به طور مستقیم از وضعیت جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی این جزیره ناشی می‌شود. در مقایسه با هیئت حاکمه و جمعیت اهل سنتی که بر این کشور مسلط‌اند، شیعیان از اکثریت جمعیتی برخوردارند. هم خانواده حاکم شیخ عیسی آل‌خلیفه و هم بیشتر نخبگان سیاسی، به آیین سنی تعلق دارند. بیگانگی جامعه شیعه (با حکومت) بیشتر به علت تبار ایرانی برخی از اعضای این جامعه تقویت می‌شود؛ زیرا در میان شیعیان بحرین همیشه احساساتی به طرف‌داری از ایران وجود داشته است و بیشتر آنها پیوندهای مذهبی و فرهنگی با جامعه ایران دارند. افزون بر این، سابقه حاکمیت طولانی و تاریخی ایران بر جزیره، بر شکاف میان سنی و شیعه افزوده است. با چنین سابقه‌ای، نهضت اسلام‌گرایی شیعی، به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به‌مثابه جنبشی نیرومند

در صحنه بحرین ظاهر شد. در هر حال، مردم بحرین، به‌ویژه شیعیان این سرزمین، در طول چند قرن گذشته هیچ‌گاه طعم عدالت و آزادی از حاکمیت استبدادی را نچشیده‌اند. در طی چندین سال گذشته نیز صدها نفر از شیعیان بحرینی به‌وسیله حکومت پادشاهی آل‌خلیفه دستگیر و زندانی شده‌اند و حقوق اولیه شهروندی آنها نادیده گرفته شده است.

البته گاهی ادعا می‌شود که شیعیان بحرین از شیعیان عربستان آزادترند؛ ولی در عمل، هر زمان که آنها با استفاده از راهکارهای صلح‌آمیز و دموکراتیک در جهت احقاق حقوق خود کوشیده‌اند، به‌شدت مورد هجمه و سرکوب قرار گرفته‌اند. آمریکایی‌ها، انگلیسی‌ها و خاندان سعودی نیز در تمام این سال‌ها، از این حکومت مستبد پادشاهی وابسته به غرب حمایت کرده و از آن بهره‌مند می‌شده‌اند. در عین حال، با وجود اقدامات مستمر خاندان آل‌خلیفه برای تغییر هویت و ترکیب جمعیتی بحرینی‌ها و استخدام و گروه‌های سنی مذهب مهاجر و حتی مسیحیان خارجی تابعیت دادن به آنها و سپردن پست‌های کلیدی به اقلیت اهل سنت و اعمال فشار و ایجاد محدودیت‌های فراوان برای شیعیان، هم‌اکنون نیز حدود هفتاد درصد از جمعیت حدوداً یک میلیونی این سرزمین را شیعیان اثناعشری تشکیل می‌دهند. با اقدامات عامدانه حاکمان بحرین در جهت تغییر ترکیب جمعیتی این کشور از طریق اعطای تابعیت بحرینی به اتباع اردن، فلسطین، لبنان، عربستان و مصر، این کشور به نسبت وسعت و جمعیت خود، مهاجرپذیرترین کشور دنیا شمرده می‌شود. با این حال، لازم به ذکر است که بر اساس برخی تحلیل‌ها، بحرین پس از ایران و عراق و جمهوری آذربایجان، چهارمین مرکز شیعی در جهان اسلام است. انقلاب بحرین که در امتداد تحولات دیگر کشورهای خاورمیانه، از جمله تونس، مصر، اردن، یمن و لیبی قرار دارد، ادامه یک موج عظیم بیداری در کشورهای اسلامی است که به‌طور خاص موجب واکنش سریع و خشونت‌بار کشورهای همسایه عرب، به‌ویژه تلاش سعودی‌ها برای سرکوب این قیام شده است. شاید اگر به خواسته‌های انقلابیون بحرین توجه کنیم، علل و عوامل سرکوب این قیام مشخص شود. گروه‌های شیعی بحرین خواهان اصلاحات اساسی در تمامی زمینه‌های سیاسی و اجتماعی، به‌ویژه در زمینه‌های زیر هستند:

- ✓ برکناری حکومت سلطنتی آل‌خلیفه و انحلال کابینه وزیران و تشکیل پارلمان منتخب مردم؛
- ✓ از میان برداشتن تبعیضات برضد شیعیان و برخورداری آنها از حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برابر و مساوی، و آزادی آنها در برپایی شعائر مذهبی و عبادی؛
- ✓ آزادی زندانیان سیاسی و تشدید مبارزه با فساد مالی در تمام سطوح؛
- ✓ لغو ممنوعیت تشکیل احزاب و فعالیت‌های سیاسی مذهبی، و تضمین آزادی بیان و مطبوعات؛

✓ لغو تابعیت‌های سیاسی اعطاشده به خارجیان و توقف روند اعطای تابعیت بر مبنای اهداف مذهبی و سیاسی؛

✓ خروج نیروهای خارجی، به‌ویژه نیروهای سعودی از خاک بحرین.

سیر رویدادها در چند ماهه اخیر در بحرین نشان داده است که هر اندازه قیام مردم بیشتر سرکوب شود و فشارها بر آنها افزایش یابد، خواسته‌های انقلابیون این کشور نیز حالت تندتر و رادیکال‌تری به خود خواهد گرفت و حتی می‌توان پیش‌بینی کرد که خواسته بعدی مردم بحرین، خروج ناوگان آمریکا از این کشور باشد.

فرانسوا توال، در بررسی خود درباره مفهوم ژئوپلیتیک شیعه معتقد است که منازعات و تحولات اخیر در دنیا، همانند انقلاب اسلامی در ایران یا رخدادهای لبنان، شیعه‌گری را به صورت یک عامل ژئوپلیتیک در خط مقدم صحنه بین‌المللی قرار داده است. وی در تحلیل کانون‌های نهضت شیعی، از دو مفهوم ژئوپلیتیک استفاده می‌کند:

- ژئوپلیتیک داخلی، که عبارت است از گستره و شدت تأثیرگذاری هر جامعه شیعی بر مجموعه تحولات و سیاست‌های داخلی یک کشور
- ژئوپلیتیک خارجی، که عبارت است از قدرت تأثیرگذاری جامعه شیعی بر تحولات و سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

وزن ژئوپلیتیکی شیعه در نقاط مختلف دنیا، زمانی افزایش می‌یابد که با مزیت‌های خاص ژئوپلیتیک، همچون منبع تأمین انرژی، منابع آب، و مراکز و مؤسسات تاریخی، دینی، گردشگری و مانند آن، یا تأثیرگذاری در سرنوشت یک مذهب اقلیت همچون مسئله شیعیان عربستان، همراه باشد. بنابراین، نهضت شیعیان بحرین به دلیل مزیت‌های خاص خود، همچون تأثیرگذاری بر روند جنبش شیعیان عربستان و هم‌مرزی دریایی بحرین با ایران و قرار گرفتن ناوگان پنجم دریایی آمریکا در این کشور، از قلمرو ژئوپلیتیکی داخلی و خارجی قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. بحرین با جمعیت یک میلیون نفری خود، کوچک‌ترین کشور منطقه خلیج فارس است؛ اما اهمیت راهبردی آن بسیار بیشتر از مساحت و جمعیتش می‌باشد. غربی‌ها از این مسئله هراس دارند که با تشکیل نظامی مردم‌سالار در بحرین و قدرت یافتن شیعیان در این سرزمین، مواضع این کشور به سوی ایران مایل شود. این مسئله درباره عراق نیز صدق کرد؛ چراکه در سال‌های اخیر نفوذ ایران در منطقه خاورمیانه، به‌ویژه در عراق و لبنان، پیوسته رو به افزایش بوده است.

قدرت‌های بزرگ همواره به جایگاه جغرافیایی این کشور کوچک اهمیت داده‌اند. در گذشته انگلستان، و در حال حاضر آمریکا ناوگان پنجم خود را برای نظارت و اعمال کنترل بر ایران، در بحرین مستقر ساخته است.

بحرین متحد مهم آمریکاست. ارتش آمریکا در دوره جنگ عراق در سال ۲۰۰۳، با استفاده از پایگاه نظامی خود در بحرین، به عراق حمله کرد. با این حال، آمریکا به بهانه ثبات منطقه، مدت‌های طولانی به خواست مردم بحرین برای تحقق مردم‌سالاری بی‌اعتنا مانده و از این‌رو، اعتراضات اخیر در بحرین موجب شده است سیاست‌های خارجی و تبلیغاتی واشنگتن با مشکلاتی روبه‌رو شود. بر همگان روشن است که یکی از اهداف راهبردی آمریکا از استقرار ناوگانش در بحرین، برخورداری و تضمین جریان نفت از خلیج فارس است. با آنکه بحرین منابع نفتی فراوان دارد، اما ذخایرش از این منابع زیاد نیست. از این‌رو، هدف آمریکا از ایجاد پایگاه‌های نظامی در این منطقه، تأمین امنیت نفتکش‌هایی است که ۳۳ درصد از نفت مصرفی جهان را از تنگه هرمز می‌گذرانند.

نوع و شکل حکومت در کشورهای عربی

کشورها	شکل و نوع حکومت
عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، کویت و بحرین	پادشاهی
مصر، تونس، اردن، الجزایر، لیبی و یمن	سکولار غیرپادشاهی

در جدول بالا، نوع و شکل حکومت در کشورهای عربی آمده است که به دو نوع پادشاهی و سکولار غیرپادشاهی تقسیم می‌شوند. نکته جالب اینکه همه انقلاب‌های عربی که به مراحل جدی وارد شده‌اند، مانند انقلاب تونس، مصر، لیبی و یمن، در کشورهای دارای نظام غیرپادشاهی صورت گرفته‌اند و به دلایل مختلفی که از نظر جامعه‌شناختی قابل بررسی است، کشورهای پادشاهی هنوز به صورت جدی با این قضیه درگیر نشده‌اند. در حال حاضر، بحرین به‌مثابه کلید انقلاب‌های مردمی و اسلامی در کشورهای پادشاهی (عربستان سعودی، کویت، قطر، امارات عربی متحده و عمان) شمرده می‌شود. از همین‌رو، بروز تحولات اخیر در بحرین، همه این کشورها را به واکنش واداشته است تا با تشکیل «کنسرت پادشاهی» (درست همانند تشکیل کنسرت نظام‌های سلطنتی اروپا برای مقابله با گسترش پیامدهای انقلاب کبیر فرانسه)، به هر اقدامی متوسل شوند تا از گشودن این قفل توسط شیعیان بحرینی و باز شدن پای دومینوی انقلاب‌ها به کشورشان جلوگیری کنند. به‌نظر می‌رسد، باید به این موارد، عنصر شیعه را نیز افزود که هراس از آن و همجواری بحرین با کشوری قدرتمند

مانند ایران، که کانون اصلی شیعیان جهان شمرده می‌شود، باعث نزدیکی دیدگاه‌های کشورهای حوزه خلیج فارس با آمریکا در زمینه ضرورت مقابله با تحولات اخیر بحرین شده است.

در واقع، شیعیان حاشیه خلیج فارس در یک خط ساحلی که تقریباً تمامی سواحل خلیج فارس را دربر دارد، ساکن هستند و با توجه به نفت‌خیز بودن این سرزمین‌ها، می‌توان گفت به لحاظ جغرافیایی، مهم‌ترین بخش‌های خلیج فارس در انحصار شیعیان است. این بخش‌ها که هم شامل سواحل شمالی این منطقه (سواحل جنوبی ایران) و هم سواحل جنوبی است، به‌ویژه در بخش جنوب، دربرگیرنده سواحل عراق، کویت، استان‌های شرقی عربستان سعودی، سواحل بحرین و قسمت‌هایی از سواحل قطر و بندر دویی در امارات متحده است و حتی تا سواحل باطنه در دریای عمان نیز امتداد می‌یابد. به بیان دیگر، خلیج فارس از نظر جغرافیای مذهبی، تحت سلطه شیعیان است.

نحوه توزیع و پراکندگی جمعیت‌های شیعی کشورهای حوزه خلیج فارس، از جنبه‌های مختلف اهمیت دارد. در برخی از این کشورها، همانند امارات متحده عربی، عربستان، عراق و بحرین، شاهد حضور متمرکز شیعیان در برخی شهرها هستیم که این تمرکز از جنبه‌های مختلف می‌تواند برای حاکمیت این کشورها خطرآفرین باشد. از یک سو زندگی در کنار یکدیگر، به حس مشترک محرومیت دامن می‌زند و زندگی جمعی، جسارت و شهامت مبارزه را تقویت کرده، احتمال شورش و اغتشاش آنان بر ضد دولت‌های متحجر عربی را افزایش می‌دهد؛ از سوی دیگر، مسائلی از قبیل جدایی‌طلبی و گرایش‌های گریز از مرکز، به‌ویژه در شهرهای مرزی مطرح می‌شود. در برخی از این کشورها، تجمع شیعیان در مناطق استراتژیک و به‌ویژه مراکز نفتی، سبب شده است آنها نفوذ قابل توجهی در اقتصاد این کشورها داشته باشند و این مسئله، از جنبه‌های مختلف برای دولت‌های عرب حوزه خلیج فارس بحران‌زاست. پیروزی انقلاب بحرین باعث تحریک شیعیان حوزه جنوبی خلیج فارس و اتصال بخش شمالی ژئوپلیتیک شیعه به حوزه جنوبی، و در نهایت شکل‌گیری ژئوپلیتیک شیعه از لبنان، سوریه و عراق تا ایران و شیعیان حوزه جنوبی خلیج فارس خواهد شد. این مسائل باعث شده است تا سه کشور عربستان، آمریکا و ایران، بیشترین حساسیت و توجه را به تحولات بحرین داشته باشند.

عربستان: در حال حاضر، عربستان در محاصره خیزش‌های عربی قرار گرفته است. هم‌پیمانان سعودی‌ها در تونس، مصر و یمن سقوط کرده و نظام پادشاهی عربستان را با چالش اساسی مواجه ساخته‌اند. مهم‌تر از همه اینکه، تحولات انقلابی بحرین که به‌طور اجتناب‌ناپذیری تأثیرات گسترده‌ای بر شیعیان عربستان برجای خواهد گذاشت، زنگ خطر برای سعودی‌ها در ماه‌ها و سال‌های آینده است.

بحرین با یک پل ۲۵ کیلومتری به شرق عربستان متصل می‌شود. این منطقه عربستان به دلیل وجود معادن عظیم نفت و همچنین حضور پرشمار شیعیان مناطق قطیف و قنوار، برای ریاض و نیز متحد سیاسی - نظامی آن، یعنی واشنگتن، دارای اهمیت است. عربستان ۲۲ میلیون نفر جمعیت دارد و با مشکلات عدیده‌ای روبه‌روست؛ همچون شکاف‌های طبقاتی، توسعه‌نیافتگی سیاسی، و منازعات مذهبی، از جمله تبعیض نسبت به شیعیان که بیش از دو میلیون نفرند و نزدیک به ده درصد جمعیت عربستان را تشکیل می‌دهند. بنابراین، دور از ذهن نیست که هرگونه تحول در بحرین، به نگرانی‌ها و بحران‌های داخلی عربستان دامن بزند. (زواری، ۱۳۹۰، ص ۴) از نظر عربستان، هرگونه قدرت‌گیری شیعیان در بحرین به افزایش نفوذ ایران می‌انجامد و خطر را به دروازه‌های عربستان می‌رساند. حکومت بحرین روابط گسترده‌ای با عربستان دارد. حکومت این جزیره کوچک، در اقتصاد و امنیت خود، کاملاً متکی به عربستان و کمک‌های همسایه بزرگ خود است. انقلاب مردم بحرین می‌تواند برای شیعیان عربستان نیز الهام‌بخش باشد. به همین دلیل، سعودی‌ها از همان آغاز اعتراضات مردم، شدیداً خواستار سرکوب آن بوده‌اند.

دولت پادشاهی عربستان نیز همانند رژیم صدام، به سرکوب و کنترل جمعیت شیعیان می‌پردازد و با جلوگیری از ارتقای آنها به رده‌های بالای حکومتی و تشویق گسترده مهاجرت سنی‌ها به مناطق محل سکونت آنها، به مقابله با شیعیان برخاسته است؛ اما تحکیم و گسترش انقلاب شیعیان در بحرین، قطعاً شیعیان عربستان سعودی را نیز به اقداماتی مشابه تشویق خواهد کرد. به همین دلیل است که نیروهای سعودی در قالب «نیروهای سپر جزیره» و با مجوز شورای همکاری خلیج فارس، برای سرکوب انقلابیون بحرین اعزام شده‌اند.

دلایل سرکوب قیام مردم بحرین از نظر سعودی‌ها عبارت‌اند از:

- مرزهای شرقی عربستان در مناطق غنی از نفت، با بحرین مشترک است. بنابراین، سرایت قیام مردمی بحرین به عربستان سعودی، به‌طور ویژه باعث خیزش شیعیان این کشور، و در نهایت به‌وجود آمدن اتحاد شیعی در منطقه خواهد شد و منابع عظیم نفتی عربستان را در معرض تهدید قرار خواهد داد
- انقلاب بحرین تهدیدی برای همه حکومت‌های پادشاهی حوزه جنوبی خلیج فارس، به‌ویژه عربستان است
- پیروزی قیام بحرین، مترادف با قدرت یافتن بیشتر ایران و پایین آمدن پرستیژ و نفوذ عربستان در منطقه خواهد بود و شیعیان بحرین را به هم‌پیمانانی برای ایران به‌عنوان یکی از قدرت‌های منطقه تبدیل خواهد کرد

آمریکا: برنامه و ابتکار آمریکا برای خاورمیانه، در شمار اولویت‌های مهم استراتژی این کشور قرار دارد. ایجاد اصلاحات و تغییرات دلخواه در نظام‌های سیاسی و اقتصادی کشورهای خاورمیانه، در قالب پشتیبانی از دولت‌های معتدل و اصلاح‌طلب، برای آمریکایی‌ها از اهمیتی اساسی برخوردار است. ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا درباره اهمیت نفت منطقه خلیج فارس معتقد بود که «نفت، خون صنعت مدرن است و منطقه خلیج فارس قلبی است که این خون را مانند تلمبه به جریان می‌اندازد؛ و راه‌های دریایی پیرامون خلیج فارس شریان‌هایی هستند که این خون حیاتی از آنها می‌گذرد». علت اینکه آمریکا می‌خواهد نفت خلیج فارس در درجه اول «زیاد»، در درجه دوم «نسبتاً ارزان» و در درجه سوم «بی‌وقفه» جریان داشته باشد، صرفاً آن است که شالوده اقتصاد جهانی در طول پنجاه سال گذشته، بر نفت ارزان‌قیمت و سرشار پایه‌ریزی شده است و اگر این شالوده حذف شود، اقتصاد جهانی فرو خواهد پاشید.

افزون بر مسئله نفت خلیج فارس، مهم‌ترین پایگاه نظامی آمریکا در بحرین واقع است. بحرین مقر ناوگان پنجم دریایی آمریکا در منطقه خاورمیانه است. این پایگاه که از حیث نیرو و امکانات، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین پایگاه دریایی آمریکا در حد فاصل قاره آفریقا تا شرق آسیا به‌شمار می‌رود، به شدت اهمیت این کشور کوچک را برای آمریکایی‌ها بالا برده است. در شرایط فعلی، آمریکا سه پایگاه دریایی و هوایی در بحرین دارد که پرواضح است در منطقه استراتژیک و مهم خلیج فارس از اهمیت بسزایی برخوردار است. در زمینه پایگاه‌های هوایی نیز باید این نکته را مد نظر قرار داد که نیروی هوایی آمریکا از طریق پایگاه‌های نظامی خود در بحرین، جنگنده‌های خود را به کشورهای افغانستان و عراق اعزام می‌کند و به عبارت دیگر، عملیات‌های هوایی خود را از این پایگاه‌ها مدیریت می‌نماید. به همین دلیل است که اهرم حیاتی پنتاگون، در پایگاه نظامی بحرین قرار گرفته است و این کشور از اهمیت بسزایی نسبت به دیگر کشورهای ایالات متحده در آنان پایگاه نظامی دارد، برخوردار می‌باشد. ناآرامی‌ها و قیام‌کنونی مردم بحرین، شرایط دشواری را برای آمریکا ایجاد کرده و آن را با متحدی بی‌ثبات مواجه ساخته است. بدین ترتیب، از دست دادن نظارت و کنترل بر بحرین، به معنای از دست دادن نظارت بر خلیج فارس است.

با این اوصاف، در صورت سقوط خاندان آل‌خلیفه و با توجه به حضور اکثریتی شیعیان در بحرین، در حکومت آینده این کشور، بدون شک شیعیان حضوری پررنگ‌تر خواهند داشت و آمریکا نگران آن است که قدرت گرفتن شیعیان در بحرین، عاملی برای پایان یافتن حضور نظامی این کشور در خلیج فارس باشد. بر همین اساس، سقوط دولت بحرین به دست شیعیان این کشور، قطعاً به تحریک شیعیان عربستان، که بیشتر در بخش‌های نفت‌خیز ساکن‌اند، نیز خواهد انجامید و این امر می‌تواند به تضعیف قابلیت‌های آمریکا در منطقه، و در مقابل،

قدرت‌یابی بیشتر ایران بینجامد. بنابراین، طبیعی است که جلوگیری از سقوط دولت بحرین، به هدف مشترک و جدی عربستان و آمریکا بدل شود.

ایران: انقلاب اسلامی در ایران، آثار و نتایج متعددی به‌ویژه در مناطق شیعه‌نشین و در میان شیعیان برجای گذاشت. مهم‌ترین آنها، احیای قدرت و توان شیعیان، و بیش از همه، تحکیم هویت شیعه در کل جهان بود. شیعیان پس از این تحول اساسی در ایران، احساس هویت و شخصیت پیدا کردند و آنچه در ایران اتفاق افتاد، نه‌تنها برای شیعه، که برای اهل سنت هم الگو شد. ولی‌رضا نصر، از صاحب‌نظران مسائل سیاست خارجی آمریکا، اگرچه اعتقاد دارد که شیعیان گروه‌های پراکنده‌ای‌اند و از نقطه خاصی مدیریت نمی‌شوند، اما درباره قدرت و نفوذ ایران معتقد است «شکی نیست که کنترل و مدیریت ایران مهم‌ترین چالش سیاست خارجی آمریکاست. موضوعی که فراتر از مسئله اتمی یا تهدید اسرائیل می‌باشد».

اسپوزیتو نیز در این زمینه معتقد است: ایران نخستین انقلاب سیاسی موفق شیعی را به جهان عرضه کرد؛ انقلابی که به نام اسلام و با شعار الله اکبر، بر مبنای ایدئولوژی و نمادگرایی شیعه و رهبری روحانیت و غیرروحانیت اسلام‌گرا استوار بود و مسلمانان سراسر جهان از ثمره آن، که همانا اوج گرفتن مفهوم هویت اسلامی، بازگشت غرور و اقتدار مسلمانان در جهانی که سیطره ابرقدرت‌هاست، محظوظ شدند.

آگاهی از موقعیت ژئوپلیتیک و آموزهای انقلاب شیعه در ایران، باعث شد که آمریکا تمام توان خود را به کار گیرد تا مانع موفقیت حکومت ایران در ارائه الگوی یک حکومت شیعی موفق در منطقه شود و در این مسیر از هر نوع کارشکنی برای عدم موفقیت ایران در منطقه استفاده می‌کند. در این راستا، منافع آنها در منطقه به مهار نیروی ژئوپلیتیک شیعه بستگی دارد. البته برای غرب، موقعیت شیعیان ایران با سایر شیعیان در دیگر قسمت‌های ژئوپلیتیک شیعه فرق دارد. ایران کشوری است که شیعیان، اکثریت غالب جمعیت آن را تشکیل می‌دهند و حکومت را هم در اختیار خود دارند. در دو یا سه کشور دیگر نیز تعداد شیعیان زیاد است؛ اما در دیگر نقاط جهان اسلام، شیعیان در اقلیت‌اند.

از سوی دیگر، اعتراف صریح دشمنان همیشگی ایران، یعنی اسرائیل، آمریکا و دوستان اروپایی آنها و حتی شیخ‌نشین‌های منطقه خلیج فارس در طی ماه‌های اخیر این بوده است که انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان مردمی‌ترین، تأثیرگذارترین و عملی‌ترین انقلاب‌ها، ریشه فکری و عملیاتی نهضت‌های اخیر است؛ و به همین دلیل، یکی از نگرانی‌های اصلی آنها این بوده و هست که اگر هر یک از کشورهای مصر، لیبی، تونس، اردن، عربستان، یمن، بحرین، کویت و کشورهای دیگری که در حال جوشش‌های مردمی‌اند، شرایط و نهایتی مانند ایران پیدا کنند، چه بر سر منافع اقتصادی و سیاسی غرب و وابستگان آنها در آفریقا و آسیا خواهد آمد. هرچند

بیشتر مسلمانان دنیا، اعم از شیعه و سنی، به انقلاب اسلامی ایران دل بستند و آن را تجسم آمال خود یافتند، اما شیعیان دل‌بستگی خاصی به آن پیدا کردند. از این‌رو، یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های مخالفت با انقلاب اسلامی، به‌ویژه در کشورهای عربی، نگرانی از خیزش شیعیان منطقه برای دستیابی به حقوق اجتماعی و سیاسی خود، و در نتیجه، بی‌ثباتی این حکومت‌ها بوده است.

بحرین، از نظر ژئوپلیتیکی جایگاه خاصی از منظر جمهوری اسلامی ایران دارد و جزء همسایگان و دارای مرز آبی با ایران است. نکته دیگر اینکه بحرین در قرون گذشته جزئی از سرزمین ایران و تحت حاکمیت حکام ایرانی بوده است و بخشی از جمعیت آن را ایرانی‌ها تشکیل می‌دهند و پیوندهای تاریخی مستحکمی بین بحرین و ایران وجود دارد. مسئله مهم و تأثیرگذار دیگر در خصوص نوع رویکرد ایران در قبال تحولات بحرین، پیوند مذهبی جمهوری اسلامی ایران با شیعیان بحرین است که اکثریت جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. منافع و سیاست منطقه‌ای ایران در حوزه خلیج فارس، و رقابت‌های آن با عربستان سعودی نیز مؤلفه‌ای مهم در رویکرد کشور است؛ و به‌خصوص تهران تحول دموکراتیک در منامه را باعث شکل‌گیری نوعی از نظام سیاسی در بحرین قلمداد می‌کند که می‌تواند روابط مناسب‌تری را با آن ایجاد نماید. این عوامل باعث شده است تا ایران نگاه حساس‌تری به تحولات بحرین داشته باشد.

شیعه بودن اکثریت جمعیت انقلابی بحرین و نزدیکی این کشور به ایران، این تصور را در بین بسیاری از سیاستمداران و اندیشمندان تقویت می‌کند که پیروزی مردم بحرین، نخست باعث قدرت‌گیری شیعه در منطقه می‌شود و به شکل‌گیری یک بلوک شیعی می‌انجامد؛ دوم اینکه این بلوک قدرتمند، توسط ایران هدایت و کنترل شده، در راستای تضاد با منافع غرب حرکت خواهد کرد.